

بقلم: آقای امام نجفی

از اصفهان

## وجه تسمیه اصفهان

جهان را اگر اصفهانی نبود جهان آفرین را جهانی نبود

چون وجه تسمیه طهران را ضمن بحث اینکه طهران با تاء منقوط یا طاء مؤلف است نوشتید آن به که وجه تسمیه اصفهان را هم بنویسید. چون حرف در این باره زیاد است و گفته‌های علما و محققین طوری آشفته و پیریشان که موضوع حقاً در خور بررسی است.

دو نکته است که قبلاً باید مورد توجه واقع شود، اول آنکه نام اصفهان یعنی کلمه اصفهان هیچ ارتباط با بنیاد شهر اصفهان ندارد و بعبارت دیگر نام اصفهان بسیار قدیمی تر از شهر اصفهان است. اصفهان صحت اطلاق رایج و معروف داشته است بدون آنکه شهر فعلی اصفهان وجود داشته باشد.

شهر فعلی اصفهان بگام حمله اعراب باصفهان نیز وجود نداشته درعین اینکه طبق مدارک موثق تاریخی (تاریخ طبری، معجم البلدان حموی. ابن اثیر جرزی) نام اصفهان در محاوره و مکاتبه بوده است. ظاهر آنکه اصفهان بربک ناحیت بسیار وسیع که دارای شهرها و دههای تابعه بوده اطلاق شده و بعداً که شهر فعلی اصفهان بنیادش همان نام اصفهان بر آن گذارده شده ولی در همان مواقع کلمه اصفهان بر ناحیه روستائی جی که مرکز آن دهکده بزرگ شهرستان است و بر خود شهرستان اطلاق رایج داشته است.

نکته دوم آنکه شهر فعلی اصفهان بمرور زمان ده قرن قبل بهمت رکن الدوله دیلمی بدین طریق ساخته و پرداخته شد که رکن الدوله حصنی حصین و باروئی

استوار و متین گردا گرد آن بنا نهاد که ناصر خسرو در سال ۴۴۴ هجری که از اصفهان دیدن میکند طول آن حصار را سه فرسخ و نیم نوشته و آنرا شهری آباد و معمور توصیف نموده .

ولی آیا آن حصار رفیع گردا گرد شهرستان و یهودیه بنا شده و از ترکیب و تألیف این دو شهر شهر واحدی بنام اصفهان بوجود آمده و یا آنکه شهرستان و یهودیه از حصار شهز خارج است .

دائرة المعارف بریطانیا ذیل کلمه اصفهان چنین مینویسد: (اصفهان، شهرستان و یهودیه درابتداء اسلام دو شهر جدا از یکدیگر بوده ولی بهم نزدیک بوده و هر یک را حصار جدا گانه بوده تا آنکه در قرن دهم میلادی رکن الدوله دیلمی این دو شهر را با چندی از دهات اطرافش در یک حصار بزرگ که محیط آن ده میل بود جمع نمود و از آن دو شهر یک شهر واحد بزرگ بوجود آورد و از این تاریخ بنام اصفهان مشهور شد هر چند کلمه اصفهان سابقه داشت ولی مشهور نبود...)

ولی صحت این نظریه مورد تردید است زیرا اگر آن قلعه رفیع گردا گرد شهرستان بنا شده بود بایستی دیگر شهرستان در خارج آن حصار وجود نداشته باشد و بحکم جزئیت باید در قلب شهر اصفهان بتحلیل رفته باشد، در صورتیکه دهکده بزرگ شهرستان در خارج شهر اصفهان همیشه پا برجا بوده و اکنون هم هست و یک فرسخ از شهر اصفهان فاصله دارد .

اما یهودیه داخل آن حصار نبوده زیرا بمنابع معتبر تاریخی پس از اینکه بخت النصر اورشلیم را خراب کرد و یهودان را بتیغ کشید (۶۰۰ ق. م) بانوی آن شهر بنام (استرین خاتون) از خسرو ایران تقاضای پناهندگی نمود خسرو ایران بوی اجازت داد با جمعی از یهود باصفهان آمده و در زمینی بنام (کساره) سکونت نمودند .

اگر این گفته صحیح باشد کساره فعلا هست ، از توابع جی است ، قرب قریه ارزنان ( زینبیه فعلی ) قرار دارد و از شهر اصفهان يك فرسخ و نیم فاصله دارد ، قطعه زمینی است بیاض بمساحت تقریبی یکصد و پنجاه هکتار زمین ، هر چند آثار ساختمانی فعلا در آن دیده نمیشود ولی یهود بدان علاقه وافر دارند ، اموات خود را اگر نتوانند به استر خاتون برای دفن حمل نمایند در این محل بجاک می سپارند (۱) مرده اطفال خود را عموماً در این محل دفن مینمایند . و گاه و بیگاه جمعی از یهود در این محل دیده میشوند - یهودیه معلوم نیست در چه و کجا بوده است ولی بطن قوی در همین محل بوده است .

مضافاً باینکه شوالیه شاردن فرانسوی که در قرن یازدهم هجری از اصفهان دیدن کرده در سفرنامه خود تمام بازارها ، کاروانسراها ، حمامها ، مساجد ، مدارس ، محلهها و بخش های داخل حصار و خارج آنرا يك بيك باسم شرح داده و مینویسد هیچ نامی از یهودیه در سفرنامه او دیده نمیشود .

و مضافاً باینکه در آن ادوار اولیه اسلام که مسلمانها در قید تعصبات مذهبی شدیدی قرار داشته اند زندگی آنها با یهود در کنار یکدیگر که مستلزم خلطه و آمیزش با یکدیگر است بسیار بعید بنظر میرسد از همین جهت شاه عباس کبیر جمعی از ارامنه را که بعنوان گروگان باصفهان سوق داد برای آنها شهری جدا گانه دور از شهر اصفهان ( جلفا ) بنیاد نمود .

### اما وجه تسمیه اصفهان

مورخین مشهور اسلامی چون ابن کلبی و اصطخری و یاقوت مینویسند اصفهان

(۱) استر خاتون در قریه پیر بکران سه فرسخی اصفهان مدفون است و اطراف آرامگاه او قبرستان یهود است . یهود بغلط شایع میکوبند این قبر سارا خاتون همسر حضرت ابراهیم است ولی بطن قوی قبر همان استرین خاتون است که با جماعت یهود باصفهان آمده .

دراصل (اسب وهان) بوده واسب در فارسی نام عمومی است که بشهر اطلاق میشود و آن بمعنی اسب (فرس در عربی است) وهان علامت جمع در فارسی است و از اینرو اصفهان بمعنی شهر سواران است.

حمزه ابن الحسن که از علماء بزرگ و مورخین نامی اسلامی است در کتاب معروف و مشهور خود که اصفهان نام دارد مینویسد کلمه اصفهان . اسپاهان . از سپاه مشتق شده ومعنی آن شهر سپاهیان است . بنا بنقل یک نفر از فضلا د کتر لارنس لا کهارت در وجه تسمیه اصفهان مینویسد با احتمال قوی کلمه اصفهان از ریشه سپاه گرفته شده و دراصل بایستی اسپاهان باشد.

دیگر این نویسندگان برای توجیحات خود هیچ مبنای علمی و مدرک لغوی (زبانشناسی) صحیح ذکر نکرده اند .

خودداری از ذکر مبنی ما را باین حقیقت راهنمایی میکنند که این توجیحات صرفاً مبتنی بر حدس نویسندگان آنها است.

مدارک تاریخی متعدد و معتبر نیز این توجیحات را تأیید نمیکند ، مثلاً هیچیک از تواریخ مدونه نشان نمیدهد که اصفهان زمانی سربازخانه و یا ساخلوگاه قشون بوده و یا سپاهی در آن شهر اطراق کرده باشند و یا مردم آن بسوار کاری یا چوگان بازی پرداخته باشند . پس این گفته ها که مدرک علمی ، تاریخی ، لغوی ندارد مورد اعتماد ما واقع نمیشود .

مضافاً باینکه شایسته و درخور شعون ملی مانیمست که معنی کلمات فارسی زبان ملی خود را از خارجیان بیاموزیم و یا برای فهم آن بتذکره های اجانب رجوع کنیم در صورتیکه زبان فارسی و پهلوی خودمان بسیار ثروتمند و غنی است .

بعقیده نویسندگان که پس از مراجعه و مطالعه دریافته ام اصمهان ریشه پهلوی دارد . طبق دلائل مکتوب و مدون لغوی و تاریخی و ریشه آن از پهلوی که بعداً

فارسی سره هم تبدیل شده مر کب از دو کلمه (استه . بانان) جمعاً استهبانان است که بعداً در اثر کثرت استعمال استهبانان اصفهان شده .  
کلمه استه

استه بکسر الف در فارسی و پهلوی قدیم بمعنی انگور است و با ضمیمه نمودن بانان بدان نگهبانان انگور از آن استفاده معنی خواهد شد . چه بگوئید انگور بانان چه بگوئید نگهبانان انگور در معنای کلمه تفاوتی نمیکنند .

فقط يك سؤال پیش میآید که وجه مناسبت این اسم با مسمی چیست . باید گفت وجه مناسبت آن معلوم است ، در تمام خطه اصفهان از نقطه نظر اوضاع مساعد طبیعی ، آب و خاک و هوا انواع و اقسام مختلف انگور بخوبی بعمل میآید ، و از طرفی تاك وقتی بثمر رسید انگوران دشمن زیاد دارد در روز پرندگان و در شب چرندگان از این رو نیازمند حراست و پاسبانی است ، ممکن است روستایان تا کستانها برای حفاظت دائمی نگهبانان ساختمانهایی برای سکونت دائمی آنها برپا داشته سپس این ساختمانها وسعت یافته و از همان زمانهای قدیم بزبان محلی ( استهبانان ) خوانده شده باشد .

در قاموس زبان فارسی استعمال کلمه استه بی سابقه نیست اصطهبانات فارس نیز بهمین معنی است ، بمعنی انگور بانان است . تفاوت اصفهان با اصطهبانات اینست که اصفهان جمع با الف و نون جمع فارسی بسته شده و اصطهبانات جمع به الف و تاء جمع عربی بسته شده و اگر الف و تاء علامت جمع عربی را از آخر اصطهبانات برداشته و بجای آن الف و نون علامت جمع فارسی بگذاریم اصفهان بدست خواهد آمد .

و باز استه بمعنی انگور موارد استعمال دیگری هم دارد که در این مختصر مجال ذکر آنها نیست .

مثلاً کوچ اصفهان شیراز کوچه استهبانان ریشه آن است یعنی کوچه انگور